

## دیباچه

کوروش کمالی سروستانی

برخاستیم و نقش تو در نفس ما چنانک  
هر جا که هست بی تو نباشد نشست ما

در اول اردیبهشت ماه جلالی که «بر گل سرخ از نم اوفتاده لالی» در شیراز جنت طراز، سعدی پژوهان ایران و جهان به یاد شاعر سترگ ایران زمین سعدی شیرازی گرد هم آمدند و به «کاخ دولت» شیخ حکیم نقیب‌ها زدند و هر یک از ظن خویش یار او شدند. از «مدارا و مهربانی» گفتند و «صیت سخنش» که جهانگیر شده است. از «اخلاق و شعرش» سخن راندند و «قصیده‌هایش که مدیحه» نیست. دیدگاهش را با «اشعریه» سنجیدند و «نقشش را در فرهنگ اسلامی» تصویر کردند. «وقت خوشش» را به بررسی نشستند و «هومانیسم انسانی» و «شجاعت اخلاقی» و «حب الوطنش» را باز نگریستند. از «تحصیل و سفرش»، عزلت و حضرش و «عشق و غزلش» سخن راندند. «پرز جبریل جان را» آتش زدند و تأثیرش را از «نهج‌البلاغه» بازگفتند. «نقشش در مکتب ادبی شیراز» و «آفاق شعرش را در سهولت امتناع» بازشناختند و با «دوران شناسی‌اش» طرحی نو در انداختند.

آنچه در دفتر دوم «سعدی‌شناسی» گرد آمده است حاصل کوشش سعدی‌پژوهان سخنور در مراسم بزرگداشت نخستین یادروز سعدی است که در اول اردیبهشت ماه ۱۳۷۷ در شیراز برگزار شد.

روزی که به یمن خوبی‌ها و زیبایی‌های اندیشه‌ی سعدی چون شعر و نامش به زودی جهانگیر شد و همزمان با شیراز و برخی از شهرهای ایران در آلمان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا و آمریکا دوستدارانش آن را به جشن نشستند و از خوان حکمت و عشق و شورش خوشه‌ها چیدند.

اما خوشه چینان خرمن بزرگ سعدی که وامداران سخن و حکمت و عشق سعدی‌اند، کارنامه‌ی پربراری در سعدی‌پژوهی به یادگار نگذاشته‌اند. و هنوز پس از کار سترگ شادروان محمدعلی فروغی، کلیات جامع و تصحیح شده‌ای که بتوان براساس آن به تدوین فرهنگ‌های لازم بسامدی، ترکیبیات، واژگان، کشف الابیات و... پرداخت در دست نیست. و علاوه بر این کتاب‌های موضوعی پیرامون سعدی نیز چندان نگارش نیافته است و کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی او در دست نیست.

امید است که برگزاری مستمر یادروز سعدی بتواند آتش سعدی‌پژوهی را پرفروغ‌تر کند و در آینده‌ای نه چندان دور شاهد آثار گرانسنگی در این زمینه باشیم. مجموعه «سعدی‌شناسی» می‌کوشد تا در حد توان خود به این امر یاری رساند.

گرچه سخن سعدی زاینده فهم اوست و ما با همه کوشش و جوشش خود تاکنون در اول وصف او مانده‌ایم، اما به قول شیخ: *انسانی و مطالعات فرهنگی*  
هزار سال به امید تو توانم بود اگر مراد برآید، هنوز باشد زود  
اگر مراد نیابم مرا امید بس است نه هر که رفت، رسید و نه هر که گفت، شنود